

پنجشنبه 16 اسفند 1397 - 29 جمادی الثانی 1440 - 7 مارس 2019

رحلت حکیم الهی و عارف بزرگوار "آخوند ملاحسینقلی همدانی" (1272 ش)



رحلت حکیم الهی و عارف بزرگوار "آخوند ملاحسینقلی همدانی" (1272 ش)

آخوند ملاحسینقلی همدانی در حدود سال 1202 ش (1239 ق) در یکی از روستاهای اطراف همدان به دنیا آمد. وی روزگار کودکی را به اقتضای محل سکونت به شبانی گذراند. آن گاه به تهران رفت و پس از فراگیری مقدمات، وارد حوزه درس شیخ عبدالحسین تهرانی معروف به شیخ العراقین شد و دروس معقول را پشت سر گذاشت. آخوند همدانی سپس عازم سبزوار گردید و نزد حاج ملاهادی سبزواری، حکمت و فلسفه را فرا گرفت. وی پس از مدتی به نجف اشرف رفت و ضمن حضور در محضر درس فقه و اصول شیخ مرتضی انصاری، بسیاری از تقریرات استاد را به رشته تحریر درآورد. آخوند ملاحسینقلی همدانی همچنین در محضر آقا سید علی شوشتری به سیر و سلوک پرداخت و نزد وی مقام و مرتبتی عظیم یافت. آخوند، به اخلاق و تهذیب نفس توجه تام داشت و علوم ظاهری را برخلاف اکثر عرفا و متصوفه، حجاب نمی‌دانست. این عارف بزرگ، از اینکه به عنوان قطب و مرشد مطرح گردد پرهیز می‌کرد و تنها خود را بنده می‌دانست. در محضر درس عرفان او شاگردان فاضلی پرورش یافتند که شیخ محمد بهاری، سید احمد تهرانی، میرزا جواد ملکی تبریزی، سید جمال الدین اسدآبادی، سید مرتضی کشمیری، سید محسن امین عاملی و... از بقیه مشهورترند. همچنین از آخوند ملاحسینقلی همدانی آثاری برجای مانده که نامه‌ها و منشآت، تذکرة المتّقین، تقریرات در اخلاق و مناجات‌ها از آن جمله‌اند. این عارف بالله سرانجام در 16 اسفند 1272 ش (28 شعبان 1311 ق) در هفتاد سالگی جان از قفس تن به در بُرد و در کربلای معلی به خاک سپرده شد. بروز قحطی در ایران در جریان جنگ جهانی اول (1296 ش)

به دلیل وقوع جنگ جهانی اول و هجوم ارتش‌ها، بیگانه به ایران و از سوی دیگر در نتیجه بی‌تدبیری و عدم کفایت سران حکومت ایران قحطی هولناکی کشور را فرا گرفت. در آن تاریخ، کشور در نهایت فقر و تشنج به سر می‌برد و قسمت اعظم کشور در اشغال نیروهای متجاوز بود. در این روزگار، کمبود مواد غذایی به حدی بود که روزانه گروهی از مردم از گرسنگی تلف می‌شدند. اعلام قطع روابط ایران و انگلیس توسط وزارت امور خارجه (1367 ش)

چهار روز پس از صدور حکم تاریخی حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر ارتداد و قتل سلمان رشدی، نویسنده کتاب ضالّه آیات شیطانی، وی از این که کتابش باعث ناراضی‌ت‌مسلمانان شده است، اظهار تأسف و پوزش کرد. در حقیقت عذرخواهی سلمان رشدی، برای ختم این غائله کافی نبود. از این رو، مجلس شورای اسلامی، در نهم اسفند 1367، طی جلسه فوق العاده می‌دانست، با اعلام ضرب الاجل یک هفته‌ای برای انگلیس، هرگونه رابطه سیاسی با لندن را منوط به عذرخواهی مقامات انگلیسی و تجدیدنظر در مواضع غیراصولی نسبت به جهان اسلام و کتاب آیات شیطانی نمود. وزیر امور خارجه انگلیس ضمن ابراز تأسف از انتشار کتاب رشدی، خود و دولت متبوعش را جدا از مسئولیت انتشار این کتاب دانست. اما این اظهارات و موضع‌گیری‌ها چون فاقد عذرخواهی رسمی و علنی بود، دولت جمهوری اسلامی ایران، در شانزده اسفند 1367، در پایان مهلت یک هفته‌ای روابط سیاسی خود را با انگلستان به طور رسمی قطع کرد.

درگذشت قدیس "توماس آکوئیناس" فیلسوف بزرگ ایتالیایی (1274م)

قدیس توماس آکوئیناس، معروف به حکیم آسمانی و یکی از بزرگ‌ترین قدیسان کاتولیک، در سال 1226م در نزدیکی شهر ناپل ایتالیا در خانواده می‌دانست، با اعلام ضرب الاجل یک هفته‌ای برای انگلیس، هرگونه رابطه سیاسی با لندن را منوط به عذرخواهی مقامات انگلیسی و تجدیدنظر در مواضع غیراصولی نسبت به جهان اسلام و کتاب آیات شیطانی نمود. وزیر امور خارجه انگلیس ضمن ابراز تأسف از انتشار کتاب رشدی، خود و دولت متبوعش را جدا از مسئولیت انتشار این کتاب دانست. اما این اظهارات و موضع‌گیری‌ها چون فاقد عذرخواهی رسمی و علنی بود، دولت جمهوری اسلامی ایران، در شانزده اسفند 1367، در پایان مهلت یک هفته‌ای روابط سیاسی خود را با انگلستان به طور رسمی قطع کرد.

درگذشت قدیس "توماس آکوئیناس" فیلسوف بزرگ ایتالیایی (1274م)

قدیس توماس آکوئیناس، معروف به حکیم آسمانی و یکی از بزرگ‌ترین قدیسان کاتولیک، در سال 1226م در نزدیکی شهر ناپل ایتالیا در خانواده می‌دانست، با اعلام ضرب الاجل یک هفته‌ای برای انگلیس، هرگونه رابطه سیاسی با لندن را منوط به عذرخواهی مقامات انگلیسی و تجدیدنظر در مواضع غیراصولی نسبت به جهان اسلام و کتاب آیات شیطانی نمود. وزیر امور خارجه انگلیس ضمن ابراز تأسف از انتشار کتاب رشدی، خود و دولت متبوعش را جدا از مسئولیت انتشار این کتاب دانست. اما این اظهارات و موضع‌گیری‌ها چون فاقد عذرخواهی رسمی و علنی بود، دولت جمهوری اسلامی ایران، در شانزده اسفند 1367، در پایان مهلت یک هفته‌ای روابط سیاسی خود را با انگلستان به طور رسمی قطع کرد.

درگذشت قدیس "توماس آکوئیناس" فیلسوف بزرگ ایتالیایی (1274م)

قدیس توماس آکوئیناس، معروف به حکیم آسمانی و یکی از بزرگ‌ترین قدیسان کاتولیک، در سال 1226م در نزدیکی شهر ناپل ایتالیا در خانواده می‌دانست، با اعلام ضرب الاجل یک هفته‌ای برای انگلیس، هرگونه رابطه سیاسی با لندن را منوط به عذرخواهی مقامات انگلیسی و تجدیدنظر در مواضع غیراصولی نسبت به جهان اسلام و کتاب آیات شیطانی نمود. وزیر امور خارجه انگلیس ضمن ابراز تأسف از انتشار کتاب رشدی، خود و دولت متبوعش را جدا از مسئولیت انتشار این کتاب دانست. اما این اظهارات و موضع‌گیری‌ها چون فاقد عذرخواهی رسمی و علنی بود، دولت جمهوری اسلامی ایران، در شانزده اسفند 1367، در پایان مهلت یک هفته‌ای روابط سیاسی خود را با انگلستان به طور رسمی قطع کرد.

دیوید هیوم، نظریه‌پرداز فیلسوف و فیلسوف نیپیلیست و پوچ‌گرای اسکاتلندی در 7 مارس 1711م در ادینبورو اسکاتلند به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را به سرعت به پایان برد و در نوجوانی وارد دانشگاه گردید. با این حال به علت عدم تمایل به فراگیری هر چیز جز فلسفه، دروس دانشگاهی را رها کرد و به مطالعات خود در رشته فلسفه ادامه داد. هیوم در جوانی مدتی به تدریس روی آورد و به تفکراتی درباره عقل پرداخت. وی از این زمان تلاش کرد تا این اصل را که آدمی حیوان ناطق است و جهان توالی منظمی از علت و معلول است، باطل سازد. از این رو اعلام کرد که من تنها به یک حقیقت پی برده‌ام و آن این است که حقیقتی وجود ندارد. به این ترتیب هیوم فلسفه خود را این گونه آغاز کرد که چون هر آنچه ما در می‌یابیم تنها تصور ذهن ماست، خود ذهن نیز یک چنین تصویری نیست. ذهن وجود واقعی ندارد. از این گذشته خدا نیز تصویری است در ذهن انسان، پس خدا نیز وجود واقعی ندارد. وی با دین و به ویژه کتاب مقدس، دشمن بود و اعتقاد داشت که دین، فلسفه، ادبیات، علم، تاریخ و هنر به عنوان جنبه‌های گوناگون ادراک انسانی، چیزی را نشان نمی‌دهند جز طبیعت کور، که بدون تشخیص مهر مادرانه، فرزندان نارس و ناتوان خود را از دامن بیرون می‌ریزند. هم‌چنین دنیا، سلسله‌ای از حلقه‌های به هم پیوسته نیست، و ذهن اسبابی نیست که رشته‌ای از چون و چراها را ثبت کند. دانش ما از احساس‌های اتفاقی و جسته و گریخته ترکیب پذیرفته است. ما هر یک از این احساس‌ها را آن‌گونه که به ما می‌رسند در می‌یابیم و سپس بر مجموع این احساس‌ها، که هیچ‌گونه ربطی با هم ندارند، نظامی دروغین می‌دهیم و با بی‌منطقی تمام، آن را منطق هستی می‌نامیم. هیوم بر این اعتقاد بود که ما هیچ چیز را به طور یقین نمی‌شناسیم حتی خودمان را و برای حقایق و قوانینی که پیش خود فرض می‌کنیم، هیچ دلیل فلسفی نداریم. هیوم اعلام می‌دارد که ما تصور روشنی از ذات خود و از بقیه جهان نداریم. ما فقط صاحب مقداری تأثرات درهم و برهم هستیم. این تأثرات ممکن است درست و ممکن است غلط باشند ولی ما راهی برای تشخیص بدی و خوبی آنها نمی‌شناسیم. هم‌چنین چون هیوم اشیاء را بدون هرگونه ارتباط منطقی با یک‌دیگر نمی‌داند، معتقد است که ما نمی‌توانیم به علت اشیاء پی ببریم. بنابراین برای قبول هیچ چیز، دلیل وجود ندارد. به این ترتیب، فلسفه هیوم ما را به یک خیابان بن‌بست می‌کشاند، زیرا به اینجا ختم می‌شود که به هیچ یک از تصورات ما، اعتماد را نیست. به گمان او میان دیوانگی و فرزانه‌گی تفاوتی نیست. به نظر هیوم آن کس که در راه نجات بشریت شربت شهادت می‌نوشد، و آن دیوانه‌ای که برای نابود ساختن بشریت می‌کوشد، هر دو به طور یکسان از اثبات عقیده خویش عاجزند. بنابراین هیچ کس نباید گمان برد که تنها او به حقیقت دست یافته است. فروتنی قدم اول حکمت است، فیلسوف باید احتمالات را بپذیرد و از فرض یقینات بپرهیزد. به طور کلی، فلسفه هیوم بر اساس تفکر شکاکانه درباره احتمالات بسیاری که بعضی از آنها به واقعیت نزدیک‌ترند نهاده شده است. این فلسفه، فلسفه سرد و نافریننده‌ای بود که حتی خود هیوم را راضی نمی‌ساخت. هم‌چنین در طرد نظرات هیوم می‌توان از تفکرات او که حقیقت را نفی می‌کند کمک گرفت و گفت: پس عقاید هیوم نیز در واقع حقیقت ندارند و قابل تشکیک است. در نهایت این که این نیپیلیست بی‌خدا، در دل به وجود هنرمندی مدبر برای اداره امور دنیای منظم اذعان داشت ولی به جستجوی آن نرفته است. علی‌رغم این که افکار نیپیلیستی و پوچ‌گرای هیوم تأثیر عمیقی بر تفکرات برخی از اندیشمندان پس از او نهاد، با این حال، مطرود دین‌داران و خداپاواران نیز واقع شد. هیوم گرچه به عنوان یک متفکر و فیلسوف مورد توجه و محبوب برخی بود، اما به علت بی‌اعتنایی به حقیقت، شکاکیت در علت دنیا و دشمنی با دین، مورد تنفر کلیسا قرار گرفت و به عنوان فردی ملحد عنوان گردید. هیوم افکار خود را در مجموعه سه جلدی رساله‌ای درباره طبیعت بشر و نیز تاریخ انگلستان و پژوهش درباره فهم انسانی به نگارش درآورده است. دیوید هیوم سرانجام در بیست و پنجم اوت 1766م در

شصت و هشت سالگی درگذشت. ارسطو بر این عقیده بود که در درون هر کس، صورتی یا نیرویی وجود دارد که قادر است او را به فرشته‌ای تبدیل کند. اکویناس علی‌رغم دارا بودن خانواده‌ای ثروتمند و بانفوذ، از جامعه فاصله گرفت و نظام اندیشه‌ای خود را برپا کرد. برخی از عقاید او عبارت از این است که می‌گفت: اگر شما به خوبی و نیکی خداوند ایمان داشته باشید می‌توانید برای عالمی که اجزای آن با هماهنگی در کارند و حقیقت اعلای آن، رستگاری روح جاویدان آدمی است، یک فلسفه عقلانی طرح کنید. او می‌گفت: در حقیقت، ما به این جهان آمده‌ایم تا از راه استیلا بر بدی‌ها به نیکی‌ها دست یابیم. زیرا بدی، تلاش برای جدا ساختن انسان از انسان، و انسان از خداست، اما نیکی، حاصل وحدت مجدد میان خدا و انسان است. در این میان نیروی محرکی که ما را یاری می‌رساند، عشق الهی به مخلوقات خود می‌باشد. وی معتقد بود که در خداوند، ماده به معنی جنبه نقص وجود ندارد و تنها صورت یا کمال راه دارد. کلیسا تا مدت‌ها از پذیرفتن آراء اکویناس خودداری می‌کرد، ولی سرانجام فلسفه او را که تومیس نام داشت پذیرفت. بزرگ‌ترین خدمت توماس اکویناس به پیشرفت علوم، توجه فوق‌العاده وی به مذهب اصالت عقل است. او می‌گفت دلیل و منطق عالی‌ترین وسیله در راه بسط مرزهای دانش بشری است. همین طرز تفکر بود که موجب شد علم و دانش که مدت مدیدی در اروپا از اعتبار افتاده بود و میراث کفر و بت‌پرستی تلقی می‌شد بار دیگر مورد توجه قرار گیرد و ارزش یابد. اکویناس، زندگی و حیات

پس از مرگ را لازم مي‌دانست و آن را ادامه حیات انسان مي‌شمرد. توماس آکویناس سرانجام در هفتم مارس 1274م در 48 سالگي درگذشت. با این حال، وي از کوتاهي کتاب زندگي خود در این جهان متاسف نبود و مي‌گفت: اگر خداوند مرا در سني کمتر از ديگران، دانايي بيشتري عطا کرده است، براي آن است که مي‌خواسته است، زودتر مرا به سوي جلال و عظمت خود باز خواند.